

Critical Analysis of Policy Making and Policy Implementation Metaphor: Presenting Alternative Metaphors

Mohsen Nobakht * 

Lecture, Department of Educational Sciences,
Farhangian University, Tehran, Iran

Mohammad Azimi 

Assistant Professor, Department of
Educational Sciences, Farhangian University,
Tehran, Iran

Amin Homayeni Damirchi 

Ph.D, Educational Management, University of
Tehran, Tehran, Iran

Abstract

An examination of the views of great thinkers such as Bourdieu, Foucault, and Habermas suggest that we live in a language age. Thus, questions of language and power are increasingly raised in politics and the public sphere, but have received less attention. Due to this issue, the purpose of this study is to critically analyze the metaphor of policy-making and policy implementation and provide alternative metaphors for them. To achieve this goal, the method of critical metaphor analysis was used. In this method, metaphor was recognized, interpreted and explained in three steps. The findings show that the metaphor of policy-making and policy implementation is a conventional and fruitful metaphor. Hence, the concepts of "approval", "notification", "order", "implementation", "mission", "report", etc. are derived from the generative metaphor of "policy-making and policy implementation" that affects the cognitive system of actors, and prevents them from acting. The results show that the metaphor of Policy making and Policy implementation indirectly and covertly values actors and persuades them to act. Hence the alternative metaphor of policy development and policy enactment were presented. Policy enactment is a theory that was endorsed in 2012 by Ball et al.


Keywords: Sociology of Policy, Sociology of Education, Critical Analysis of Metaphor, Policy Enactment, Policy Development.

* Corresponding Author: mohsennobakht1400@gmail.com


How to Cite: Nobakht, M., Azimi, M., Homayeni Damirchi, A, (2022), "Critical Analysis of Policy Making and Policy Implementation Metaphor: Presenting Alternative Metaphors", *Political Strategic Studies*, 11(41), 145-173.
doi: 10.22054/QPSS.2022.66610.3003

تحلیل انتقادی استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست: ارائه استعاره‌های بدیل


مدرس گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

محسن نوبخت * 

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

محمد عظیمی 

دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران

امین همانینی دمیرچی 

چکیده

بررسی آرا و اندیشه‌های بزرگانی چون بوردیو، فوکو و هابرماس حاکی از این است که ما در عصر زبانی زندگی می‌کنیم. از این‌رو پرسش‌های مربوط به زبان و قدرت بیش از پیش در سیاست و حوزه عمومی مطرح می‌شود اما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این مسئله هدف این پژوهش تحلیل انتقادی استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست و ارائه استعاره‌های بدیل برای آن‌ها است. برای رسیدن به این هدف از روش تحلیل انتقادی استعاره استفاده شد. در این روش استعاره در سه گام مورد تشخیص، تفسیر و تبیین قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست، استعاره‌های متعارف و زایا است. از این‌رو مفاهیم «مصوبه»، «ابلاغ»، «دستور»، «اجرا»، «مأموریت»، «گزارش» و... نشأت گرفته از استعاره‌زایی «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» است که نظام شناختی کنشگران را تحت تاثیر قرار داده و آنها را از کنشگری باز می‌دارد. نتایج نشان می‌دهد استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست بصورت غیرمستقیم و پنهانی برای کنشگران ارزش‌گذاری و آنها را اقناع و ترغیب به بازیگری می‌کند. از این‌رو استعاره بدیل توسعه و وضع سیاست ارائه شد. وضع سیاست نظریه‌ای است که در سال ۲۰۱۲ توسط بال و همکارانش به تایید رسیده است.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی سیاست، جامعه‌شناسی آموزش، تحلیل انتقادی استعاره،

وضع سیاست، توسعه سیاست.

مقدمه

پویایی‌های علوم اجتماعی و به تبع آن پویایی‌های سیاستی موجب شده است که مبانی نظری-روش‌شناختی جدیدی از علوم بشری با عنوان جامعه‌شناسی انتقادی سیاست^۱ شکل بگیرد (لوئیس، ۲۰۲۱: ۲). چرا که صحنه خط مشی‌گذاری، صحنه حل مسئله است؛ صحنه حل مسائل بسیار پیچیده‌ای که حل آنها مستلزم ترکیب دانش‌های گوناگون در فضایی میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای است (پورعزت، ۱۴۰۰/ب: ۱۸۲). این حوزه یکی از جدیدترین، بدیع‌ترین و پیچیده‌ترین حوزه‌های علوم بشری است که بزرگانی چون جنی آزرگه، استفین جی بال، باب لینگارد و... در یکی از معتبرترین مجلات بین‌المللی با عنوان *مجله مطالعات انتقادی در آموزش* (جلد ۶۲ شماره ۳ سال ۲۰۲۱) تلاش می‌کنند وضعیت در حال تحول جامعه‌شناسی انتقادی سیاست^۲ را تبیین کنند (ساویج، ۲۰۲۱: ۲۷۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد اولین بار ۳۲ سال پیش جنی آزرگه، استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد، اصطلاح جامعه‌شناسی سیاست را مطرح کرده و آن را اینگونه تعریف می‌کند: «جامعه‌شناسی سیاست ریشه در سنت علوم اجتماعی داشته و بر پایه اطلاعات تاریخی، تکنیک‌های کیفی و روش‌نگرانه بنا شده است» (آزرگه، ۲۰۲۱: ۲؛ لوئیس، ۲۰۲۱: ۳؛ لینگارد، ۲۰۲۱: ۱؛ تیلور، ۱۹۹۷). عبارت دیگر جامعه‌شناسی سیاست به دنبال آشکار کردن تاثیر متقابل دانش تولید شده در علوم اجتماعی و دنیای سیاست است تا از طریق درک و واکاوی آن نشان دهد که انتقاد، قابل مشاهده‌ترین و ضروری‌ترین عنصری است که درک تاریخی (به معنای وسیع) از سیاست را با چالش روبرو می‌کند (آزرگه، ۲۰۲۱: ۲-۱). زیرا فعالیت‌های مربوط به سیاست‌گذاری و سیاست در سطح ملی یا فراملی در یک شبکه اجتماعی پویا از انسان‌ها شکل می‌گیرد (بال، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷؛ ۲۰۱۹). از این‌رو بال (۲۰۲۱: ۳۸۸) آن را روابط اجتماعی سیاست^۳ می‌نامد.

کاربست زبان در سیاست یکی از حوزه‌های مربوط به جامعه‌شناسی سیاست است. در این میان مفاهیم سیاست‌گذاری و اجرای سیاست از جمله واژگان کلیدی هستند که نقش

-
1. Critical Policy Sociology
 2. Critical Policy Sociology
 3. Social Relations of Policy

زبانی بسزایی را در شکل‌گیری روابط اجتماعی کنشگران سیاسی و قدرت ایفا می‌کنند. از این رو فرکلاف (۲۰۱۳: ۲) معتقد است سؤالات مربوط به زبان و قدرت بیش از پیش در سیاست و حوزه عمومی مطرح می‌شود. به‌زعم وی ما در یک عصر زبانی زندگی می‌کنیم زیرا بررسی آرا و اندیشه‌های نظریه‌پردازان بزرگ معاصر در حوزه علوم اجتماعی مانند پیر بوردیو، میشل فوکو و یورگن هابرماس حاکی از این است که آنها در نظریه‌های خود اهمیت روزافزونی به زبان داده‌اند. همچنین افراد زیادی در نظریه اجتماعی خود عنوان می‌کنند که «نقش زبان تغییر» کرده است. شاید بتوان گفت زبان به یکی از ابزارهای اصلی کنترل و قدرت اجتماعی تبدیل شده است، هرچند که این امر به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما اخیراً نویسندگان «پست مدرنیسم» ادعا کرده‌اند بکارگیری واژه پست مدرنیست برای عصر حاضر سیمای بصری زبان را از بین می‌برد. از این رو عصر حاضر را عصر «پسازبانی» عنوان می‌کنند. اما بررسی مطالعات و پژوهش‌های اخیر در حوزه سیاست و سیاست‌پژوهی نشان می‌دهد که زبان و نقش آن در توسعه سیاست چندان مورد توجه نیست.

یکی از مهمترین دلایلی که زبان‌شناسان شناختی، زبان را مطالعه می‌کنند از این پیش فرض ناشی می‌شود که زبان، الگوهای فکری را منعکس می‌کند. بنابراین مطالعه زبان از این منظر، بررسی الگوهای مفهوم‌سازی را در بر می‌گیرد. در واقع زبان پنجره‌ای برای بررسی عملکرد شناختی به رویمان می‌گشاید تا از این طریق بتوان در مورد ماهیت، ساختار و سازماندهی افکار و ایده‌ها به آگاهی رسید (ایونس و گرین، ۲۰۰۶: ۵). بدون شک یکی از زمینه‌هایی که می‌توان نقش زبان را در الگودهی فکری و شناختی مورد مطالعه قرار داد سیاست‌گذاری و اجرای سیاست است. فرکلاف در مورد ارتباط بین استفاده از زبان و روابط نابرابر قدرت دو هدف اصلی متصور است. هدف اول تئوریک بوده و مربوط به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت است. هدف دوم کاربردی بوده و مربوط به کمک به افزایش آگاهی است تا مشخص کند چگونه برخی از افراد با استفاده از زبان بر افراد دیگر مسلط می‌شوند. زیرا وی آگاهی را اولین گام به سوی رهایی می‌داند. یکی از راه‌هایی که می‌توان به این دو هدف نائل آمد استفاده از تحلیل انتقادی زبان^۱ است. تحلیل انتقادی زبان تلاش می‌کند تعاملات اجتماعی را به

1. Critical Discourse Analysis

گونه‌ای تحلیل کند که بر عناصر زبانی آن‌ها تمرکز کرده و تعیین‌کننده‌های پنهانی زبان را در سیستم روابط اجتماعی مشخص کند، همچنین تأثیرات پنهانی که ممکن است بر سیستم روابط اجتماعی داشته باشد را تعیین کرده و به مخاطب نشان دهد (فرکلاف، ۲۰۱۳: ۴-۱).

استعاره^۱ یکی از عناصر زبانی در جامعه و علی‌الخصوص سیاست است که بصورت غیرمستقیم و پنهانی نقش بسزایی در روابط اجتماعی دارد. عنایت‌الله (۱۹۹۸) والیس و عنایت‌الله (۲۰۱۶) و چارتریس- بلک (۲۰۰۴) از جمله افرادی هستند که در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند یکی از روش‌هایی که بوسیله آن می‌توان ادراک تاریخی و کهن الگوهای اجتماعی مانند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست را مورد مطالعه قرار داد تحلیل و کاربرد استعاره^۲ در زبان است.

با وجود مطالعات گسترده در حوزه «استعاره» از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز، هرچه دانش ما از صنعت «استعاره» بیشتر می‌شود، به قلمروهای ناشناخته‌ای از استعاره و کارکرد استعاری وارد می‌شویم. استعاره با چنین ویژگی‌هایی همواره چند گام جلوتر از دانسته‌های ما حرکت کرده است (پناهی و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). شاید بتوان در یک نگاه تاریخ تحول مفهوم استعاره را در دو قسمت کلاسیک و نوین بیان کرد. طی قرون گذشته استعاره مورد توجه ادیبان، فلاسفه و زبان‌شناسان بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اولین بار ارسطو در فن شعر، استعاره را «دادن نامی که به چیز دیگری تعلق دارد» تعریف می‌کند (راس به نقل از فاوسون و رویتزل، ۱۹۹۴). در طول تاریخ افرادی چون ابو عبیده (۲۰۹ ه.ق)، جاحظ (۲۵۵ ه.ق)، ابن‌رشیق قیروانی (۴۶۳ ه.ق)، عبدالقاهر جرجانی (۴۷۴ ه.ق) به تحلیل و کاربری کلاسیک استعاره پرداخته‌اند. بر اساس نگاه کلاسیک استعاره چیزی فراتر از یک آرایه ادبی محض نیست. از این‌رو بیش از دو هزار سال استعاره به مثابه ابزاری برای فن بیان و بلاغت در زبان ادب و شعر بکار گرفته می‌شد. ادیبان و شاعران با استفاده از آرایه استعاره، کلمه را در غیر معنی اصیل خود بکار می‌گرفتند تا بر زیبایی سخن و بر جذابیت کلام بیفزایند.

اما در رویکرد نوین استعاره فراتر از آرایه ادبی محض یا صور کلامی خاص است. از

1. Metaphor
2. Metaphor Analysis

این رو کاربست استعاره در زندگی روزمره فرایندی فعال، پویا و پیچیده است که نقش بسزایی در برساخت نظام شناختی آدمی دارد. اولین بار در سال ۱۹۸۰ لیکاف و جانسون بر اساس کتاب معروف خود با عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^۱ نشان داد که استعاره‌ها جزء لاینفک زندگی ما هستند. از آنجایی که استعاره‌ها به صورت ناخودآگاه شناخت ما را از پیرامون‌مان شکل می‌دهند آنها را استعاره مفهومی^۲ نام نهادند. آنچه مبرهن و واضح است این است که استعاره‌ها آنچنان در زندگی روزمره جاری و ساری است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳). بطوری که مهارت ما در استعاره بسیار گسترده است اما شناخت ما از آن بسیار ناقص، تحریف‌شده، مغالطه‌آمیز و بیش از حد ساده‌سازی شده است (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۱۲۴). بطور خلاصه ذهن انسان یافته‌های حاصل از هر استعاره جدید را با سایر یافته‌های خویش مقایسه می‌کند، در اثر این مقایسه ممکن است نظم کلی یافته‌ها و آموخته‌های قبلی وی درهم ریخته و اطلاعات جدیدی تولید شود. بنابراین با بکارگیری هر استعاره جدید، کم و کیف دانش موجود در سیر تصاعدی بهبود می‌یابد (مشبکی، پورعزت، ۱۳۸۰: ۷۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست‌گذاری و اجرای سیاست یکی از استعاره‌های متعارف و فعال در بین آحاد جامعه است که نقش بسزایی در برساخت نظام مفهومی کنشگران سیاست و حتی مردم عادی دارد (نوبخت، عباس‌پور، طاهری، عبداللهی و خورسندی طاسکوه، ۱۴۰۰) و در کنار خط مشی‌گذاری عمومی از جمله دشوارترین وظایفی است که می‌توان در جهان آفرینش بر عهده گرفت؛ زیرا هر جمله و گزاره‌ای که در پیکره یک خط مشی بکار می‌رود، ممکن است سرنوشت عده زیادی از انسان‌ها را دگرگون سازد و در سرایشی سقوط یا سیر تعالی قرار دهد؛ ضمن اینکه خط‌مشی، پدیده‌ای آینده‌پرداز و آینده‌ساز است و ممکن است آثار آن در تسلسلی فرانسلی، چندین سال یا دهه یا حتی صده پیاپی از زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ پس باید با دقت صورت‌بندی شود زیرا هر چه یک امر مهم‌تر و خطیرتر باشد، باید با ملاحظه و دقت بیشتری پرداخته شود و پردازش آن بر شواهد و اطلاعات متقن‌تری مبتنی گردد (پورعزت، ۱۴۰۰/الف: ۱).

-
1. Metaphors We Live By
 2. Conceptual Metaphor

بر اساس آنچه گفته شد این پژوهش مربوط به حوزه جامعه‌شناسی انتقادی سیاست است. جامعه‌شناسی سیاست حوزه‌ای بدیع و کاربردی از علوم بشری است که زبان در آن فقط توصیف‌گر وقایع در کلمات و واژه‌ها نیست بلکه نشانه‌های زبانی و علی‌الخصوص استعاره‌ها سازنده واقعیت هستند. عبارت دیگر زبان و استعاره نقش بسزایی در ساخت نظام مفهومی افراد دارند. بدیهی است که کنشگران سیاست بر اساس نظام شناختی خود چگونگی انجام سیاست را در عمل رقم می‌زنند. در این میان سیاست‌گذاری و اجرای سیاست از جمله مهم‌ترین مفاهیمی هستند که در ساخت نظام مفهومی کنشگران سیاست نقش بسزایی دارند اما چندان مورد توجه زبان‌شناسان و سیاست‌پژوهان قرار نگرفته است. از این رو پرسش اصلی پژوهش این است بر اساس تحلیل انتقادی استعاره، استعاره‌های بدیل سیاست‌گذاری و اجرای سیاست کدام‌ها هستند؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در دو قسمت نظری و تجربی ارائه شده است.

پیشینه نظری

زبان‌شناسی شناختی مکتب نسبتاً جدیدی از زبان‌شناسی و یکی از خلاقانه‌ترین و هیجان‌انگیزترین رویکردها برای مطالعه زبان و اندیشه است که در حوزه مدرن مطالعات بین‌رشته‌ای به نام علوم شناختی پدیدار شده است (ایونس و گرین، ۲۰۰۶: ۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد لیکاف و جانسون از جمله دانشمندان زبان‌شناسی شناختی هستند که به دنبال پاسخ به این پرسش بودند که مردم چگونه زبان و تجربه‌هایشان را درک می‌کنند؟ لیکاف و جانسون در پاسخ به این پرسش برای اولین بار استعاره مفهومی را مطرح کردند. به‌زعم آنها نظام مفهومی ما که روزمره بر اساس آن فکر و عمل می‌شود، ذاتاً بر اساس استعاره بنا شده است. مفاهیم حاکم بر اندیشه ما فقط شامل موضوعات فکری نمی‌شوند؛ این مفاهیم عملکرد روزمره ما را با بیشترین جزئیات کنترل می‌کنند. مفاهیم حاکم بر ذهن ما چگونگی ادراک ما را از جهان پیرامون و چگونگی ارتباط با مردم را شکل می‌دهند. بنابراین، سیستم مفهومی ما نقش اصلی در تعریف واقعیت‌های روزمره‌مان ایفا می‌کند. اگر نظر ما در مورد سیستم مفهومی ما که عمدتاً مبتنی بر استعاره است درست باشد، بنابراین نحوه تفکر ما چگونگی تجربه کردن ما و آنچه که ما روزانه انجام می‌دهیم

موضوعاتی مربوط به استعاره هستند (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۴). استعاره مفهومی یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با شناخت است که مورد توجه معناشناسان قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت این است آنچه به طور سنتی در مورد استعاره مطرح می‌شود با آنچه که معناشناسان در مورد استعاره بیان می‌کنند متفاوت است. بنابراین از نگاه معناشناسان استعاره مفهومی می‌تواند چگونگی عملکرد شناخت انسان را بازنمایی کند (لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹).

آینده‌پژوه معروف سهیل عنایت‌الله، مبدع روش تحلیل لایه‌ای علی^۱ (CLA)، استدلال می‌کند تحلیل لایه‌ای علی یک روش‌شناسی پسا‌ساختارگرایی در زمینه آینده‌پژوهی است که پدیده مورد مطالعه را در چهار لایه مختلف (لیتانی، اجتماعی، جهانی و گفتمانی و اسطوره‌ای و استعاره‌ای) مورد تحلیل قرار می‌دهد اما عمیق‌ترین و زیرین‌ترین لایه که در ضمیر ناخودآگاه قرار دارد و تاکنون دور از دسترس علم بوده است تحلیل اسطوره و استعاره است. زبانی که در این سطح مورد استفاده قرار می‌گیرد کمتر واضح بوده و بیشتر تصویری مبهم ارائه می‌دهد (عنایت‌الله، ۱۹۹۸). زیرا سیستم مفهومی چیزی نیست که به حالت عادی از آن آگاهی داشته باشیم. ما در بیشتر امور جزئی که روزانه انجام می‌دهیم، کمابیش به گونه‌ای خودکار در امتداد خطوط مشخصی می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم. اینکه این خطوط چه چیزی هستند، به هیچ وجه معلوم نیست. یک راه برای کشف آن وجود دارد و آن توجه به زبان است. از آنجا که ارتباطات بر اساس سیستم مفهومی استوار است که ما در تفکر و عمل کردن از آن استفاده می‌کنیم، پس زبان منبع مهمی از شواهد برای اثبات آن سیستم است. شواهد حاکی از آن است که بخش اعظم سیستم مفهومی روزمره ما از نظر ماهیت، استعاری هست (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۴). بنابراین چارتریس - بلاک (۲۰۰۴). تحلیل انتقادی استعاره را بعنوان رویکردی شناختی پیکره‌ای مطرح می‌کند که در این مطالعه بعنوان روش تحقیق استفاده شده است.

پیشینه تجربی

با اینکه بر اساس یافته‌های لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) کاربرد استعاره‌های مفهومی در زندگی روزمره قدمت طولانی دارد اما چگونگی کاربرد آن در امور سیاسی و

سیاست‌گذاری کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است با این حال می‌توان به برخی موارد لازم اما ناکافی اشاره کرد.

سان، کالینین و ایگناتنکو (۲۰۲۱: ۲۵۰) استعاره‌های غالب بر سخنرانی‌های عمومی رهبران سیاسی روسیه، ایالات متحده آمریکا و چین را مورد تحلیل قرار می‌دهند و بر اساس آنها تأثیر سخنرانی‌های سیاسی عمومی را بر مخاطب بر اساس قدرت استعاره‌های بکار رفته مشخص می‌کنند. نتایج آنها نشان می‌دهد تحلیل جنبه‌های مختلف استفاده از استعاره می‌تواند ابزار مهمی برای سنجش تأثیر سخنرانی‌ها بر مخاطب باشد. عادل رحیم (۲۰۲۱: ۵۴) بر اساس یک رویکردی اجتماعی - شناختی به تحلیل کاریکاتوره‌های سیاسی بعنوان استعاره چندوجهی می‌پردازد. چپمن و میلر (۲۰۲۰: ۱۱۰۷) پیامدهای اجتماعی کاربست استعاره «ما با کووید-۱۹ در جنگ هستیم» را مورد بررسی قرار می‌دهد. آنها با آوردن مجموعه‌ای از مثال‌ها نشان می‌دهند که چگونه رهبران و سیستم سیاسی آمریکا با استفاده از «استعاره جنگ» مردم را از خطرهای احتمالی کووید-۱۹ آگاه می‌کنند. چارتریس - بلاک (۲۰۰۹: ۹۷) نقش استعاره را در ارتباطات سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بدین منظور استعاره‌های استفاده شده توسط دو سیاستمدار معاصر یعنی فیدل کاسترو و تونی بلر را مورد تحلیل قرار می‌دهد. وی بر اساس یافته‌ها و نتایج خود دیدگاهی از کاربست استعاره در ارتباطات سیاسی پیشنهاد می‌کند که در آن اسطوره و ایدئولوژی با نقش کلاسیک استعاره ادغام می‌شوند.

در ایران نیز قربانی شیخ‌نشین (۱۳۹۰: ۹) به بررسی استعاره‌هایی می‌پردازد که اغلب بطور عمومی در رهیافت‌های روابط بین‌الملل مورد استفاده هستند و فایده آنها را در ارتقای فهم بهتر این حوزه مورد بحث قرار می‌دهد. ضمناً در این راستا نمونه کاربردهای استفاده از زبان استعاره در گفتمان سیاست بین‌الملل معرفی کرده و مورد بررسی قرار می‌دهد. صادقی و طباطبائی (۱۳۹۵: ۲۲۹) به بررسی زبان استعاره‌ای در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد تا بتواند از این طریق ارتباط بین تفکر و زبان استعاره‌ای و دنیای سیاست را مشخص نماید. به این منظور آنها یک نمونه از متون سخنرانی ارائه شده در مجمع عمومی سازمان ملل توسط هر یک از رؤسای جمهور از اول انقلاب تاکنون انتخاب می‌کنند و بر اساس چارچوب طبقه‌بندی لیکاف و جانسون درباره استعاره‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. نتایج و یافته‌های تحقیق آنها نشان

می‌دهد که می‌توان جملات و عبارات استعاری را برای رمزگشایی حقیقت کلام رهبران سیاسی بکار برد. اسلامی (۱۳۹۷: ۱۲) به بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ می‌پردازد. وی تلاش دارد با تمرکز بر متن سخنرانی و برخی از توثیتهای مهم دانلد ترامپ به این پرسش پاسخ دهد که «زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ، واجد چه استعاره‌هایی است؟ همچنین، این استعاره‌ها از حیث شکل، محتوی، سنت تاریخی، نحوه کاربرد و مکانیزم‌های زبانی، چگونه قابل تحلیل و تفسیرند و در سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده، بعنوان جوامع مخاطب، چه بازتاب‌های احتمالی در پی داشته و خواهند داشت؟». نورمحمدی و دبیرمقدم (۱۳۹۸: ۲۵۲) در پی‌آند که در چارچوب رویکرد «تحلیل انتقادی استعاره» چارتریس بلک، استعاره‌های بکار رفته در مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ ایران را بررسی و از این رهگذر به اندیشه‌ها و نگرش‌های پنهان در پس متون تولید شده دست یابند.

به‌زعم ربیعی کهندانی (۱۴۰۰: ۱۷۶) حزب جمهوری اسلامی تأثیرگذارترین تشکل سیاسی در استقرار نظام جمهوری اسلامی و دهه اول پس از انقلاب اسلامی است. از این‌رو به بررسی فهم از سیاست و حکومت در گفتمان این حزب می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که «در گفتمان حزب جمهوری اسلامی، سیاست و حکومت با چه استعاره‌هایی فهمیده می‌شوند؟» برای پاسخ به این پرسش با استفاده از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون و روش شناسایی استعاره، به تحلیل استعاره‌ای گفتمان حزب جمهوری اسلامی پرداخته شده است. نویسنده به این نتیجه رسیده که فهم سیاست و حکومت و مفاهیم انتزاعی مرتبط با آنها در گفتمان حزب، با استفاده از تجربیات روزمره مرتبط با کنش‌ها و ادراکات مذهبی صورت می‌گیرد. اسلام مکتبی بعنوان استعاره بنیادی، منبع اساسی درک این مفاهیم است و حوزه‌های مبدأ عبادت، وظیفه، امانت الهی و تکلیف در فهم این مفاهیم نقشی محوری دارند. در این گفتمان؛ سیاست و دین، نهاد سیاست و نهاد دین و عمل سیاسی و عمل دینی عین یکدیگرند و شناخت سیاسی از آگاهی مذهبی جدایی‌ناپذیر است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاهیم استعاره در علوم سیاسی ایران و جهان کاربرد فراوانی داشته و برخی از پژوهش‌های لازم اما ناکافی به این حوزه پرداخته‌اند اما اینکه خود فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست مورد تدقیق و مطالعه قرار گیرد تا استعاری بودن

آن بصورت روشمند تحلیل و تبیین گردد صورت نگرفته است. بنابراین این تحقیق اولین مطالعه‌ای است که تلاش می‌کند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست را بعنوان استعاره تحلیل کرده و برای آنها استعاره‌های بدیل ارائه دهد.

روش تحقیق

برای رسیدن به هدف پژوهش از روش تحلیل انتقادی استعاره استفاده شده است. تحلیل انتقادی استعاره روشی برای تحلیل استعاره است که هدف آن همانند تحلیل انتقادی گفتمان بیان مقاصد ناآشکار (و احتمالاً ناخودآگاه) کاربران زبان است. مراحل تحلیل انتقادی استعاره شامل تشخیص، تفسیر و تبیین است. این نکته جالب توجه است که این سه مرحله بسیار شبیه مراحل روش فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان است (چارتریس - بلک، ۲۰۰۴: ۳۴).

از آنجایی که در این مطالعه سیاست‌گذاری و اجرای سیاست هر دو مد نظر بود از این‌رو برای مطالعه دقیق‌تر یک سیاست بعنوان نمونه هدفمند انتخاب شد. بنابراین در این مطالعه برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی بعنوان یک نمونه از سیاست‌های در حال اجرا انتخاب شد و با کنشگران این سیاست در چهار مدرسه ابتدایی مصاحبه شد. همچنین برای مطالعه نحوه سیاست‌گذاری تحلیل انتقادی استعاره غالب بر نظام سیاسی کشور، سه سند سیاستی در حوزه آموزش (۱- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ویژه مدارس، ۲- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ۳- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. همچنین برای ایجاد ارتباط بین اسناد سیاستی و چگونگی اجرای سخنرانی‌های عمومی مربوط به دولتمردان و سیاست‌گذاران حوزه آموزش در زمینه اسناد فوق نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه فاز تشخیص، تفسیر و تبیین استعاره بیان شده است.

تشخیص استعاره

تشخیص استعاره در اصل با معنای اندیشه‌ای^۱ [حوزه شناختی] مرتبط است. تشخیص استعاره به معنی شناسایی وجود استعاره در متن و همچنین بر مشخص کردن تنش بین حوزه مبدأ تحت‌اللفظی و حوزه مقصد استعاری تمرکز می‌کند (چارتریس - بلک، ۲۰۰۴: ۳۴). بررسی تحت‌اللفظی مفهوم سیاست‌گذاری نشان می‌دهد این کلمه از دو مفهوم «سیاست» و «گذاری» تشکیل شده است. «گذارن» در فرهنگ عمید (۱۳۸۸: ۷۹۱) به معنی چیزی را در جایی قرار دادن آمده است. نکته مهم این است که در زبان فارسی قرار دادن چیزی در جای، بیشتر در مورد اشیاء بی‌جان بکار می‌رود. وقتی با هم‌آیی‌ها واژه «گذاری» را در بانک زبان فارسی بررسی می‌کنیم به رایج‌ترین واژه‌هایی می‌رسیم که در کنار «گذارن» قرار می‌گیرند. اینها شامل بارگذاری، صدادگذاری، سرمایه‌گذاری، شماره‌گذاری، علامت‌گذاری، قیمت‌گذاری، فاصله‌گذاری مین‌گذاری و ... می‌شوند. در اینجا بعضی از انواع کاربردهای مفهوم «گذاری» در متون مختلف بیان می‌شود. برای تأکید مفاهیم مربوط به پسوند «گذاری» پررنگ شده است.

متون ویکی‌پدیا

بارگذاری سیستم عامل در حافظه کامپیوتر معمولاً از دیسک سخت و گاهی از روی دیسک نرم انجام می‌شود. همچنین بارگذار بوت یا بارگذار راه‌انداز، یک برنامه کامپیوتری است که باعث بارگذاری سیستم عامل یا دیگر برنامه‌های نرم‌افزاری به محض روشن شدن سیستم می‌شود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران

«فاصله‌گذاری اجتماعی» اصطلاحی است که برای برخی از اقدامات غیر دارویی کنترل عفونت استفاده می‌شود که توسط مقامات بهداشت عمومی برای متوقف کردن یا کاهش سرعت شیوع بیماری‌های بسیار مسری انجام می‌گردد.

مجله اینترنتی ناب‌آفرینی پرتالی در حوزه کسب و کار و کارآفرینی

روش قیمت‌گذاری صحیح یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری مشتری به خرید یا عدم خرید، قیمت یک محصول است؛ لذا استراتژی مناسب قیمت‌گذاری محصولات عامل بسیار مهمی در رشد کسب و کار شما دارد.

تمامی این موارد با جنبه‌های متفاوت حوزه مبداء «گذارن» مرتبط است. بعنوان مثال در متون مربوط به ویکی پدیا آمده است برای نصب و اجرای سیستم عامل باید فایل بارگذاری شود. همچنین بارگذار بوت یا راه‌انداز، یک برنامه کامپیوتری است که باعث بارگذاری سیستم عامل یا دیگر برنامه‌های نرم‌افزاری به محض روشن شدن سیستم می‌شود. مفهوم «گذارن» در اینجا بدرستی استفاده شده است زیرا بافتاری که در آن سیستم عامل بارگذاری می‌شود، صفر و یکی هست. بارگذار یا همان سیستم کامپیوتر هیچ اراده‌ای از خود ندارد که بتواند نحوه بارگذاری را تحت تاثیر قرار دهد. در این جمله تنش معنایی بین حوزه مبدا (بارگذاری فایل) و حوزه مقصد (سیستم کامپیوتر) وجود ندارد. پس نمی‌تواند استعاره باشد. اما در فرآیند سیاست‌گذاری، سیاست‌گذار همانند یک سیستم عامل تلاش می‌کند سیاست‌ها را توسط کنشگران اجرایی کند. نکته اینجاست که کنشگران سیاست‌دارای اراده و اختیار هستند و نمی‌توانند مانند پالس‌های صفر و یکی کامپیوتر عمل کنند.

از طرف دیگر در حوزه مقصد یعنی در علوم سیاسی و سیاست‌گذاری، خوانش استعاره سیاست‌گذاری تعبیری تحت‌اللفظی دارد. بررسی متون دانشگاهی نشان می‌دهد پژوهشگران این حوزه، سیاست‌گذاری را امری گام به گام می‌پندارند. گام اول سیاست‌گذاری از آنجا آغاز می‌شود که در عمل مسئله‌ای حادث شود. در گام دوم، حل مسئله حادث شده در دستور کار دولت قرار می‌گیرد. در گام سوم، پیشنهادهای مختلف برای راه‌حلی فرموله می‌شوند در گام چهارم، یکی از راه‌حل‌ها انتخاب و سیاست اتخاذ می‌شود. در نهایت، سیاست اتخاذ شده بوسیله قوانین و مقررات عملیاتی می‌شود. نکته قابل تأمل اینجاست با اینکه سیاست‌گذاری برای حل مسئله در مرحله عملیاتی شکل می‌گیرد ولی برای اجرایی شدن به صورت قانون به مجریان ابلاغ یا عبارت بهتر دیکته می‌شود. اشکال در این نوع سیاست‌گذاری آن است که صدای کنشگران محلی شنیده نمی‌شود. همچنین بافتارهای مختلف که دارای شرایط و خواسته‌های متفاوت هستند،

دیده نمی‌شوند. بعنوان مثال متن ذیل نمونه‌ای از متون دانشگاهی در مورد استعاره سیاست‌گذاری است.

علوم سیاست‌گذاری یکی از شاخه‌های علوم سیاسی است که به مطالعه سیاست‌ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های گوناگونی مانند سیاست کشاورزی، سیاست تکنولوژیک و سیاست بهداشتی... و همچنین زیر مجموعه‌های گوناگون هر یک از موارد پردازد. یکی از وظایف پژوهشگر علوم سیاست‌گذاری می‌تواند آن باشد که مسائل جامعه را به طور عینی و خرد تحلیل و بر پایه آن توصیه‌های کاربردی بسیار سیاستمداران ارائه نمایند بدین‌سان دولتمردان را در جهت انتخاب بهترین راه حل یاری کنند (اشتریان، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

در این قسمت به بررسی اسناد سیاستی پرداخته می‌شود. بررسی سندی که انجام سیاست ارزشیابی کیفی - توصیفی را در مرحله عملیاتی هدایت می‌کند نشان می‌دهد، کلاس‌ها و مدارس به صورت مستقیم تحت تاثیر مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش قرار دارند. عبارت دیگر مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش به شکل آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و ... به مدارس اعمال می‌شود. حتی مشاهدات نشان می‌دهد تمامی مصوبات این شورا طی یک کتاب مجلد تحت عنوان مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ویژه مدارس به مدیران ارسال می‌شود. این مجلد سرلوحه کار معلمان و مدیران قرار می‌گیرد. بطوری که در مرحله عملیاتی کردن سیاست، هرگاه با مشکل مواجه می‌شوند به این کتاب مراجعه می‌کنند.

بعنوان مثال آیین‌نامه اجرای طرح ارزشیابی کیفی - توصیفی طی جلسه ۷۶۹ در تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ مصوب شده است که به شرح ذیل است.

شورای عالی آموزش و پرورش مقرر می‌دارد:

طرح ارزشیابی توصیفی (کیفی) دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در آن دسته از مدارس که شرایط و امکانات لازم را دارند اجرا شود و پس از رفع نارسایی‌های موجود از سال تحصیلی ۸۸-۸۹ در کلیه مدارس ابتدای کشور با رعایت برخی موارد اجرا شود (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۲: ۸۹).

همچنین آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی دوره ابتدایی طی مصوبه جلسه ۷۹۳ در تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۰ مورد تایید کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای

عالی آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و برای اجرای آزمایشی به مدارس ابلاغ می‌شود. متن این آیین‌نامه طی بیست چهار ماده و چندین تبصره در بخشنامه‌های مختلف به مدارس و مناطق مختلف آموزشی ابلاغ شده و در مجلد مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برای مدارس ارسال می‌گردد.

بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز نشان می‌دهد، چشم‌انداز این سند بر اساس اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز بیست ساله و فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ترسیم شده است. در فصل هفتم این سند طی راهکار نوزده، بر استقرار نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت در تعلیم و تربیت رسمی عمومی تاکید می‌گردد. طی راهکار ۲-۱۹ طراحی و اجرای نظام ارزشیابی فرایندمحور در ارتقای در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی مشخص و تعیین می‌گردد که بشرح ذیل است:

راهکار ۲-۱۹ طراحی و اجرای نظام ارزشیابی بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی و رویکرد ارزشیابی فرایندمحور در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیندمحور و نتیجه‌محور) در سایر پایه‌های تحصیلی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۵۴).

همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر اساس سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند شامل سه بخش است. در فصل اول و دوم به ترتیب فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران به طور مفصل تبیین شده است و فصل سوم نیز رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. مطابق متن ذیل صراحتاً بیان شده است که هرگونه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری باید بر اساس سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.

این رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران را باید به مثابه بنیان اصلی هرگونه قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت ایجاد تحول اساسی و راهبردی در نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی بشمار آورد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

بررسی و تحلیل اسناد فوق‌نشان می‌دهد بر اساس اصول و مبانی دین اسلام، مبانی نظری نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مشخص شده و از آن نیز سند تحول بنیادین استخراج شده است. شورای عالی آموزش و پرورش با تکیه بر اینگونه اسناد بالادستی، مصوباتی را تحت عناوین اساسنامه، آیین‌نامه و برنامه‌های درسی و تربیتی را مشخص کرده و از طریق سطوح مختلف مدیریت دولتی به مدارس ابلاغ می‌کند.

بنابراین بر اساس شناسایی تنش معنایی بین حوزه مبدأ تحت‌اللفظی و حوزه مقصد استعاری همچنین بررسی متون دانشگاهی و اسناد سیاستی می‌توان گفت مفهوم سیاست‌گذاری یک استعاره است. چرا که بین حوزه مبدأ و مقصد تنش معنایی وجود دارد. عبارت دیگر در اجرای سیاست، سیاست‌گذار تلاش می‌کند برای ارزش‌گذاری و اقناع کنشگران کلیدی از استعاره سیاست‌گذاری استفاده کند. به نحوی که کنشگران خود را همانند پالس‌های صفر و یکی فرض کنند و نه تنها دخل و تصرفی در سیاست نداشته باشند بلکه برای اینکه تحت حمایت گفتمانی غالب قرار گیرند باید به نحو اکمل و احسن آن را اجرا کنند.

تفسیر استعاره

تفسیر استعاره به معنای بینافردی مربوط می‌شود. عبارت دیگر تفسیر استعاره بر شناسایی روابط اجتماعی که از طریق استعاره ساخته می‌شود، تمرکز دارد (چارتریس - بلک، ۲۰۰۴: ۳۴). تفسیر شامل برقراری رابطه بین استعاره‌ها و عوامل شناختی و عمل‌گرایانه است که استعاره‌ها را تعیین می‌کند. این امر شامل شناسایی استعاره‌های مفهومی و در صورت امکان، کلیدهای مفهومی است. در مرحله تفسیر می‌توان در نظر گرفت که انتخاب‌های استعاره تا چه اندازه در ساختن یک بازنمایی مهم اجتماعی فعال هستند (چارتریس - بلک، ۲۰۰۴: ۳۸).

تفسیر استعاره «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» مستلزم شناسایی صورت‌های زبانی دیگری است که با این استعاره مفهومی برانگیخته می‌شوند. در مثال‌های ذیل تلاش شده است صورت‌های زبانی دیگر که این استعاره را بین افراد فعال و برانگیخته می‌کند

شناسایی شود. در متن زیر عبارت‌های مرتبط با استعاره «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» پررنگ نوشته شده است.

با تأیید سند فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، مصوبه «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» که در جلسات، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶ و ۶۹۷ تاریخ ۸۹/۱۱/۱۲، ۸۹/۱۱/۲۶، ۸۹/۱۲/۳، ۸۹/۱۲/۱۰، ۸۹/۱۲/۱۷، ۹۰/۱/۲۳، ۹۰/۲/۶، ۹۰/۲/۲۰، ۹۰/۳/۳۱، ۹۰/۴/۱۴، ۹۰/۴/۲۱، ۹۰/۵/۴، ۹۰/۶/۱۵، ۹۰/۶/۲۲ و ۹۰/۷/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهائی رسیده است؛ به شرح سند ذیل برای اجرا ابلاغ می‌شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۶).

خبرگزاری پارلمانی ایرنا

وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه آموزش و پرورش یعنی سند تحول گفت: همه تلاش و توان وزارتخانه معطوف به اجرایی کردن سند تحول بنیادین است.

محسن حاجی میرزایی روز سه‌شنبه پس از حضور در کمیسیون آموزش مجلس و در جمع خبرنگاران با اشاره به اهمیت موضوع سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آن را مهم‌ترین مأموریت این وزارتخانه دانست.

وزارت آموزش و پرورش چاپ و ابلاغ بسته‌های تحولی آموزش و پرورش به استان‌ها در راستای اجرایی کردن سند تحول بنیادین، بسته‌های تحولی آموزش و پرورش مربوط به هر حوزه تهیه، تدوین و در قالب کتاب منتشر و جهت اجرا به استان‌ها ابلاغ شد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان گفت: اجرای سند تحول بنیادین از مهمترین برنامه‌های در دستور کار این اداره کل است که باید به طور جدی پیگیری شود.

در متون فوق، مفاهیم «مصوبه»، «ابلاغ»، «دستور»، «سند»، «اجرا»، «مأموریت»، «گزارش» و ... نشأت گرفته از استعاره زایایی «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» است. عبارت بهتر استعاره‌های مفهومی «مصوبه»، «ابلاغ»، «دستور»، «سند»، «اجرا»، «مأموریت»، «گزارش» و ... صورت‌های زبانی دیگری هستند که با استعاره زایایی «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» برانگیخته می‌شوند. این مفاهیم بجای خواسته‌های انتزاعی سیاست‌گذار

قرار می‌گیرند و بر اساس آنها معنای تحت‌اللفظی استعاره «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» برمی‌گردد.

در استعاره «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست»، نقش کنشگران مختلف همانند قسمت‌های مختلف یک کامپیوتر فرض می‌شود که باید بصورت پالس‌های صفر و یکی تسلیم سیاست شده و خواسته سیاست‌گذاران را اجرا می‌کنند. بافتارهای مختلف که قرار سیاست در آنجا اجرا شود همانند سیستم عاملی فرض می‌شوند که باید سیاست‌ها بعنوان برنامه‌های کاربردی در آنها اجرا شود. بطوری که مدیران و معلمان پایه چهارم معتقد است:

اگر خواسته‌های برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی را اجرا نکنیم چه کنیم. حتی این برنامه‌ها با سیاست‌های دیگر متناقض است. بعنوان مثال ما بر اساس این نوع ارزشیابی، آموزش و ارزیابی فرآیندی را در کلاس پیاده می‌کنیم. ولی از کلاس ششم به بعد و حتی در کنکور ورود به دانشگاه ارزشیابی نتیجه‌محور است. ولی ما بدون حل این تناقض، مجبوریم آن را قبول کنیم و و اجرا کنیم (معلم کلاس ششم دوره ابتدایی و سرگروه استانی).

آنها [سیاست‌گذاران] کار خودشونو انجام می‌دهند ما [کنشگران کلیدی] کار خودمان را، نه آنها از ما خبر دارند نه ما از آنها؛ تنها چیزی که بین ما رد بدل می‌شود برخی بخش‌نامه‌ها، ابلاغ‌ها، گزارش‌ها هست. آنها از دیدگاه‌های معلمان و شرایط محیطی خبر ندارند. برخی از بخش‌نامه‌ها، ابلاغ‌ها در عمل غیر قابل اجرا هست بعنوان مثال برای اجرای برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی باید در هر کلاس حداکثر دوازده نفر باشد. اما بخاطر برخی محدودیت‌ها، همیشه کلاس‌ها بیش از سی نفر هستند. معلم در یک کلاس سی نفره طبعاً نمی‌تواند این برنامه را اجرا کند (معلم پایه چهارم و سرگروه استانی).

همچنین مدیر مدرسه‌ای در مورد چگونگی اجرای برنامه‌ها می‌گوید:
اگر کم یا زیاد کار کنیم و طرح‌ها را با کیفیت بالا اجرا کنیم مقامات بالا توجه نمی‌کنند مهم این است که ظاهر کار و مستندات ما آماده باشد و نشان دهد که کار انجام شده است (مدیر مدرسه سه).

همه این‌ها نشان می‌دهد استعاره متعارف «سیاست‌گذاری و اجرای سیاست» موجب می‌شود پل ارتباطی سیاست‌گذاران و کنشگران به صورت آشکار یا ضمنی (خواسته و

ناخواسته) بوسیله مصوبات، ابلاغ‌ها، اسناد و دستورات صورت گیرد. در این نوع ارتباطات ویژگی‌ها، خواست‌ها و نیازهای محیط‌های مختلف و کنشگران گوناگون دیده نمی‌شود. بنابراین در مرحله عمل پل ارتباطی بین سیاست‌گذاران و کنشگران کلیدی سیاست یک طرفه شده و تنها از بالا به پایین شکل می‌گیرد. رابطه بالا به پایین موجب می‌گردد کنشگران خود را مجری سیاست‌های دیگران فرض کند و بجای کنشگری هنرمندانه و خلاقانه بیشتر بازیگر متون و سیاست‌هایی شوند که توسط دیگران نوشته شده است.

تبیین استعاره

تبیین استعاره به معنای متنی مربوط می‌شود: یعنی راه‌هایی که بوسیله آنها استعاره‌ها با هم مرتبط شده و با توجه به موقعیتی که در آن رخ می‌دهند ارجاع داده می‌شوند، تمرکز دارد (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴: ۳۴). تبیین استعاره‌ها شامل شناسایی عامل اجتماعی که در تولید استعاره‌ها و نقش اجتماعی آنها در متقاعدسازی افراد موثرند است. توصیف چگونگی شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی، کلیدهای مفهومی و نشان دادن نوع ارزش‌گذاری استعاره‌ها به توضیح اینکه چرا استعاره‌ها می‌توانند متقاعدکننده باشند کمک می‌کند. بنابراین به یک معنا، شناسایی کارکرد گفتمانی استعاره‌ها به ما این امکان را می‌دهد که انگیزه ایدئولوژیک و رتوریک استعاره‌ها را بشناسیم (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴: ۳۹).

گفتمان دانشگاهی، رسانه‌ها، دولتمردان و سیاست‌گذاران در سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری از جمله مهمترین عوامل اجتماعی هستند که در تولید استعاره‌ها دخیل هستند و نقش اجتماعی بسزایی در ترغیب مخاطب برای اقناع و ارزش‌گذاری دارند. زیرا گفتمان دانشگاهی و رسانه‌ها خواسته یا ناخواسته استعاره‌های مفهومی «مصوبه»، «ابلاغ»، «دستور»، «سند»، «اجرا»، «مأموریت»، «گزارش» و ... بارها و بارها بازنمایی و بازتولید می‌کنند. گفتمان دانشگاهی با تربیت دانش‌آموختگانی که با استعاره سیاست‌گذاری بر ساخته شده‌اند موجب تداوم این نوع استعاره‌ها می‌شوند. این امر موجب می‌شود در طول زمان استعاره سیاست‌گذاری و اجرا به صورت امری صفر و یکی فرض شود. رسانه‌ها با بازتولید بدون وقفه آثار مختلف، خواسته یا ناخواسته این نوع استعاره را تقویت می‌کنند. همچنین دولتمردان و سیاست‌گذاران در سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری

برای حل مسائل مختلف با سیاست‌گذاری صفر و یکی تلاش می‌کنند مجریان را مجاب به اجرای قوانین و مقررات کنند. در واقع همه آنها شواهد کلامی برای یک نظام زیربنایی اندیشه تولید می‌کنند. همچنین گفتمان غالب در علوم سیاسی از استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست حمایت می‌کند در حالی که بافتارهای مختلف دارای ویژگی‌ها و امکانات متفاوتی هستند، کنشگران سیاست‌دارای اراده و آگاهی هستند که در حوزه مبدأ نمی‌توانند همانند پالس‌ها صفر و یکی عمل کنند. بنابراین مشکل اساسی این نوع سیاست‌گذاری عدم توجه به بافتارهای مختلف و نادیده گرفتن ویژگی‌های کنشگران محلی در اتخاذ و اجرای سیاست است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های ما نشان می‌دهد مفهوم سیاست‌گذاری یک استعاره متعارف و کاملاً پذیرفته شده در میان کنشگران سیاسی است. در طول سالیان متمادی تنش معنایی استعاره سیاست‌گذاری در حوزه مبدأ و مقصد با اندازه‌ای کاهش یافته است که به سختی می‌توان معنای استعاره‌ای آن را تشخیص داد. حتی پس از تشخیص آن، مخاطب به راحتی آن را قبول نمی‌کند. بعبارت دیگر شدت پذیرفته‌شدگی آن به قدری است که به صورت خودکار، بدون تلاش و حتی بعنوان یک شیوه اندیشیدن در میان کنشگران یک جامعه زبانی بخصوص سیاست‌گذاران و کنشگران بکار می‌رود. بنابراین این امر موجب شده است که استعاره سیاست‌گذاری تبدیل به خوانش اجتماعی ویژه شود و سایر خوانش‌ها را محدود کرده و در جامعه نیازی به تحلیل فرآیند شناختی آن احساس نشود. استعاره سیاست‌گذاری نه تنها متعارف بوده بلکه زایا نیز هست. به طوری که در سازمان‌ها بدنبال سیاست‌گذاری استعاره‌های مفهومی «مصوبه»، «ابلاغ»، «دستور»، «سند»، «اجرا»، «مأموریت»، «گزارش» و... نیز مطرح می‌شود. همه این استعاره‌های مفهومی، کنشگران سازمانی را اقناع و ترغیب می‌کنند که مجری بی‌چون و چرای برنامه‌ها و سیاست‌ها باشند. همچنین گفتمان دانشگاهی، رسانه‌ها، دولتمردان و سیاست‌گذاران در سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری از جمله مهمترین عوامل اجتماعی هستند که در تولید استعاره سیاست‌گذاری دخیل بوده و نقش اجتماعی بسزایی در ترغیب مخاطب برای اقناع و ارزش‌گذاری دارند.

مزیت استفاده از استعاره سیاست‌گذاری آن است که ارزش‌گذاری، اقتناع و ترغیب افراد بصورت غیرمستقیم و پنهانی انجام می‌گیرد. در این حالت نه تنها گوینده پیام را نمی‌توان مسئول پیام دانست بلکه پیامی منتقل می‌شود که نمی‌توان صراحتاً درباره آن بحث کرد. بنابراین استعاره متعارف سیاست‌گذاری نه تنها گزاره‌ها را از گفتمان مستقیم پنهان می‌کند چون سخن تحت اللفظی گفته نمی‌شود، بلکه امتیاز فوق‌العاده دیگری نیز دارد و آن ترکیب این دو نکته است که اولاً سیاست‌گذار را نمی‌توان مسئول پیام دانست. ثانیاً در اینجا پیامی دارد منتقل می‌شود که نمی‌توان صراحتاً درباره آن بحث کرد.

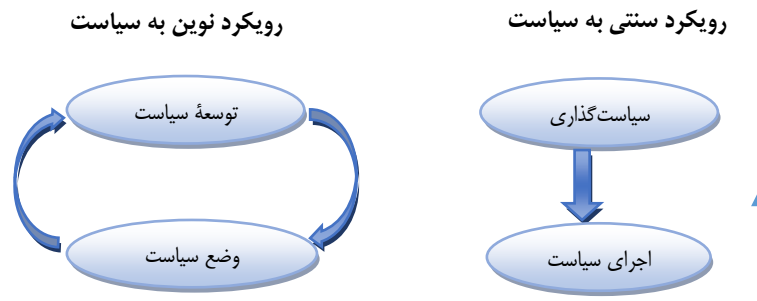
یکی از راه‌های ساختارشکنی زمان حال و خلق فضاهای تحول‌آمیز، استفاده از استعاره‌های بدیل است. در حال حاضر استعاره‌های سیاست‌گذاری و اجرای سیاست، اتخاذ و اجرای سیاست‌ها را بصورت خطی، ماشینی، بدون توجه به بافتارهای مختلف و کنشگران محلی شکل می‌دهد. اما یافته‌های اخیر نشان می‌دهد سیاست‌ها فراتر از آن هستند که بصورت خطی اتخاذ و اجرا شوند. زیرا سیاست‌ها به صورت پیچیده و خلاقانه و بر اساس کشمکش‌ها، منازعات در محیط‌های مختلف بین سیاسیون و حتی کنشگران محلی توسعه پیدا کرده سپس به صورت پیچیده، خلاقانه و هنرمندانه وضع می‌شوند (بال، ۲۰۱۲؛ بل و استونسون، ۲۰۱۵؛ لیتوود، ۲۰۱۸؛ اینس، ۲۰۲۱؛ مک دانل، ۲۰۲۱).

خاستگاه نظریه وضع سیاست این است که بگویند سیاست پس از تصویب به صورت خطی اجرا نمی‌شود بلکه همچنان فرآیند تصویب تا سطح سازمان، اداره، مدرسه و حتی کلاس درس ادامه دارد. بعبارت دیگر وضع سیاست مفهوم توسعه یافته از اجرای سیاست است که نشان می‌دهد سیاست فراتر از آن هستند که به صورت خطی «از بالا به پایین» یا «از پایین به بالا» شکل بگیرد. زیرا کنشگران محلی طی جلسات مختلف در سازمان‌ها، ادارات و مدارس از طریق کشمکش‌ها، مصالحه‌ها و منازعه‌ها سیاست را رمزگشایی می‌کنند، تفاسیر خود را سیاست شکل می‌دهند و خواست سیاست را برای خود معنا می‌کنند. این همان خوانش سیاسی متن است که *بال* آن را *تفسیر سیاست* می‌نامد. همزمان فرآیند نوشتن متن در اشکال مختلف و قرار دادن آن در عمل ادامه دارد. بعبارت دیگر نشانه‌ها و آثار گفتمانی در اشکال مختلف از جمله تصویر، بروشور، دست‌سازه، نوشته، سخنرانی و... تولید و در معرض نمایش همگان قرار می‌گیرد. این همان بازنمایی سیاست است که *بال* آن را *بازگردانی سیاست* می‌نامد. بنابراین سیاست‌ها توسط کنشگران

مختلف تفسیر و بازگردانی می‌شوند تا وضع شوند. اساس شکل‌گیری نظریه وضع سیاست بر اندیشه‌های فوکو است. بنابراین بال و همکانش بر مبنای اندیشه‌های فوکو در حوزه سیاست معتقدند «قدرت» پدیده‌ای از بالا به پایین و خطی نیست بلکه «قدرت» در یک شبکه اجتماعی پیچیده بصورت رابطه‌ای و موقعیتی قرار دارد. بنابراین سطوح خرد و کلان جامعه برای اینکه سیاست‌ها را با موفقیت وضع کنند، لازم و ملزوم یکدیگر هستند (بال و همکارانش، ۲۰۱۲).

مطابق شکل ۱ در نگاه سنتی، دولتمردان برای حل مسائل و مشکلات، از بالا به پایین سیاست‌گذاری می‌کنند و سازمان‌ها را صرفاً مکان‌هایی برای اجرای قوانین و مصوبات می‌دانند. مسئله اصلی در این نوع سیاست‌گذاری آن است که بافتارهای پیچیده و گوناگون، ادراک و خواسته‌های کنشگران کلیدی که مسئول انجام سیاست‌ها و برنامه‌ها هستند و گفتمان‌های خرد و رایج در سازمان‌ها که در پیاده‌سازی سیاست‌ها بسیار مهم‌اند، دیده نمی‌شوند. اما رویکرد نوین سیاست نشان می‌دهد که وضع سیاست؛ فرایندی بسیار پیچیده، خلاقانه، درهم تنیده، وابسته به بافتار و حتی سیاسی است؛ زیرا سیاست‌ها فراتر از آن هستند که به صورت صفر و یک (همانند اجرای یک برنامه کاربردی در کامپیوتر) اجرا شوند بلکه آنها بوسیله کنشگران مختلف بصورت پیچیده بر اساس بافتارهای متفاوت و بصورت سیاسی وضع می‌شوند (نوبخت و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴۷-۳۴۶). در شکل زیر جهت فلش‌ها ارتباط سیاست‌گذاری و اجرای سیاست را نشان می‌دهد. در رویکرد سنتی ارتباط از بالا به پایین غالب است از این‌رو جهت نمایش ارتباط پایین به بالا با فلش خط‌چین آورده شده است تا نشان داده شود این ارتباط نامحسوس است. اما در رویکرد نوین، توسعه و وضع سیاست فرآیندی دو طرفه و همراه با تعامل است.

شکل ۱. رویکرد‌های مختلف به سیاست



از این‌رو استعاره بدیل توسعه و وضع سیاست، نگاه بالا به پایین دولتمردان را به چالش می‌کشد. سازه‌های ذهنی سابق بر هم می‌خورد و تفاسیر جدید از نحوه پیاده‌سازی سیاست‌ها در اذهان دولتمردان و کنشگران محلی شکل می‌دهد. در استعاره نوین، دیگر نگاه دولتمردان از بالا به پایین نیست؛ آنها نقش مهمی در توسعه سیاست‌ها دارند اما این مهم به کمک و همراهی کنشگران محلی شکل می‌گیرد. در استعاره توسعه و وضع سیاست، دیگر کنشگران سیاست‌باز دیگر نیستند بلکه کنشگران با علم و آگاهی و هنرمندانه سیاست‌ها را توسعه داده و وضع می‌کنند. همچنین دولتمردان شنیدن صدای کنشگران و دیدن موفقیت آنها را یک اصل اساسی می‌دانند. بر اساس این استعاره کنشگران محلی، دیگر خود را فرمانبرداران بی‌چون و چرا فرض نمی‌کنند بلکه به خود حق می‌دهند کنشگری کنند و بافتارهای گوناگون را مورد توجه قرار دهند. اما به راستی تغییر استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست به تنهایی کافی است؟ تغییر این استعاره‌ها، فقط سازه‌های ذهنی جدید را برای افراد شکل می‌دهد. بنابراین برای توسعه و وضع موفق سیاست نیاز است که این امر گفتمان‌سازی شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohsen Nobakht

 <https://orcid.org/0000-0003-1041-9481>

Mohammad Azimi

 <https://orcid.org/0000-0002-0679-1929>

Amin Homayeni

 <https://orcid.org/0000-0003-0069-7226>

Damirchi

منابع

- اسلامی، سعید، (۱۳۹۷)، «بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۲)، ۱۲-۳۹.
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۷۶)، «علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران»، فصلنامه سیاست، ۳۷(۰)، ۱۷۰-۱۵۹.

- پورعزت، علی اصغر، (۱۴۰۰/الف)، «طراحی سیستم پشتیبان خط‌مشی، برای مهار تباه خط‌مشی‌ها و کژ خط‌مشی‌ها»، مدیریت دولتی، ۱۳(۱)، ۱-۲.
- پورعزت، علی اصغر، (۱۴۰۰/ب)، «سخن سردبیر: سواد خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی مضاف»، مدیریت دولتی، ۳(۲)، ۱۸۲-۱۸۳.
- ربیعی کهندانی، محمد، (۱۴۰۰)، «استعاره‌های سیاست و حکومت در گفتمان حزب جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۱۹)، ۱۷۶-۲۰۰.
- ریچاردز، آی. ا. (۱۳۸۲)، فلسفه بلاغت، ترجمه علی محمدی آسیابادی، تهران: قطره.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش.
- صادقی، بهادر، طباطبائی، سید محمد، (۱۳۹۵)، «جایگاه گفتمان‌های استعاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست جهانی، ۵(۴)، ۲۶۰-۲۲۹.
- عمید، حسن، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی عمید (۱ جلدی)، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، (۱۳۹۰)، «زبان استعاره در گفتمان سیاست بین‌الملل»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲)، ۹-۳۲.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش.
- مشکی، اصغر، پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۰)، «نقش استعاره‌ها در فراگرد دانش‌افزایی درباره سازمان مروری بر پیامدهای کارکردی و کژکارکردی استفاده از استعاره‌ها»، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۶(۱)، ۶۴-۷۸.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ویژه مدارس، (۱۳۹۲)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مدرسه.
- نوبخت، محسن، عباس پور، عباس، طاهری، مرتضی، عبدالهی، حسین، خورسندی طاسکوه، علی، (۱۴۰۰)، «مرور روایتی بر نظریه وضع خط‌مشی در سازمان‌های آموزشی: رویکردی عمل‌گرایانه»، مدیریت دولتی، ۱۳(۲)، ۳۲۹-۳۵۳.
- نورمحمدی، مهتاب، دبیرمقدم، محمد، (۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی استعاره‌ها در مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران»، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۳(۳۰)، ۲۲۷-۲۵۲.

References

- Abdel-Raheem, A, (2021), “Multimodal Metaphor and (im) Politeness in Political Cartoons: A Sociocognitive Approach”, *Journal of Pragmatics*, 185, 54-72.
- Eslamee, S, (2018), “The Study of the Role of Metaphors in the Political Linguistics of Donald Trump”, *Political and International Approaches*, 10(2). [In Persian]
- Ashtarian, K, (1997), “Policy Making Science and Its Achievements for Iran”, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 37 (0). [In Persian]
- Amid, H, (2009), *Farhang Farsi Amid (1 volume)*, Tehran: Farhang Nema Publications. [In Persian]
- Ball, S. J., Maguire, M., Braun, A., Hoskins, K., & Perryman, J, (2012), *How Schools Do Policy: Policy Enactment in the Secondary School*, Routledge.
- Ball, S. J, (2016), “Subjectivity as a Site of Struggle: Refusing Neoliberalism?”, *British Journal of Sociology of Education*, 37(8), 1129-1146.
- Ball, S. J, (2017), “Laboring to Relate: Neoliberalism, Embodied Policy, and Network Dynamics”, *Peabody Journal of Education*, 92(1), 29-41.
- Ball, S. J, (2019), “A Horizon of Freedom: Using Foucault to Think Differently about Education and Learning”, *Power and Education*, 11(2), 132-144.
- Ball, S. J, (2021), “Response: Policy? Policy Research? How Absurd?”, *Critical Studies in Education*, 62(3), 387-393.
- Bell, L., & Stevenson, H, (2015), “Towards an Analysis of the Policies that Shape Public Education: Setting the Context for School Leadership”, *Management in Education*, 29(4), 146-150.

- Braun, A., Maguire, M., & Ball, S. J. (2010), “Policy Enactments in the UK Secondary School: Examining Policy, Practice and School Positioning”, *Journal of Education Policy*, 25(4), 547-560.
- Chapman, C. M., & Miller, D. S. (2020), “From Metaphor to Militarized Response: The Social Implications of “We are at War with COVID-19”–Crisis, Disasters, and Pandemics Yet to Come”, *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Charteris-Black, J. (2004), *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*, Springer.
- Charteris-Black, J. (2009), *Metaphor and Political Communication*, In *Metaphor and Discourse* (pp. 97-115), Palgrave Macmillan, London.
- *Collection of Approvals of the High Council for Special Education of Schools*, (2013). Fourth Edition, Tehran, Madrasa Publications.
- *Document of Fundamental Transformation of Education*, (2011), Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Ministry of Education and the High Council of Education.
- Evans, V. and Green, M. (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fawson, P. C., & Reutzel, D. (1994), “Comprehending Metaphor: Using a Salient Characteristic Analysis Technique (SCAT)”, *Reading Horizons: A Journal of Literacy and Language Arts*, 34(4), 6.
- Fairclough, N. (2013), *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. Routledge.
- Fawson, P. C., & Reutzel, D. (1994), “Comprehending Metaphor: Using a Salient Characteristic Analysis Technique (SCAT)”, *Reading Horizons: A Journal of Literacy and Language Arts*, 34(4), 6.
- Ghorbani Sheikhneshin, A. (2012), “Metaphors in International Political Discourse”, *International Relations Research*, 1(2). [In Persian]

- Inayatullah, S, (1998), “Causal Layered Analysis: Poststructuralism as Method”, *Futures*, 30(8), 815-829.
- Innes, M, (2021), “The Micro-politics of the Enactment of a School Literacy Policy”, *Oxford Review of Education*, 1-15.
- Lakoff, G. and Turner, M, (1989), *More than Cool Reason; A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M, (2003), *Metaphors We Live by*, University of Chicago Press.
- Leithwood, K, (2018), “Postscript: Five Insights about School Leaders’ Policy Enactment”, *Leadership and Policy in Schools*, 17(3), 391-395.
- Lewis, S, (2021), “The Turn towards Policy Mobilities and the Theoretical-Methodological Implications for Policy Sociology”, *Critical Studies in Education*, 62(3), 322-337.
- Lingard, B, (2021), “Multiple Temporalities in Critical Policy Sociology in Education”, *Critical Studies in Education*, 62(3), 338-353.
- McDonnell, J, (2021), “How do you Promote ‘British Values’ when Values Education Is your Profession? Policy Enactment of FBV Amongst Teachers of Religious Education, Citizenship Education and Personal, Social and Health Education in England”, *Cambridge Journal of Education*, 51(3).
- Meshbaki, A. Pourezat, (2001), “The Role of Metaphors in the Knowledge-Growing Process About the Organization A Review of the Functional and Dysfunctional Consequences of Using Metaphors”, *Institute for Research and Development in the Humanities*, 6 (1). [In Persian]
- Nobakht, M., Abbaspour, A., Taheri, M., Abdollahiai, H., Khovsandi Taskoh, A, (2021), “A Narrative Review of Policy Enactment Theory in Educational Organizations: Pragmatic Approach”, *Journal of Public Administration*, 13(2). [In Persian]

- Noormohammadi, M., Dabir Moghadam, M, (2019), “Critical Analysis of Metaphors in the Television Presidential Election in Iran (2016)”, *Quarterly Scientific Journal of Audio-Visual Media*, 13(30). [In Persian]
- Ozga, J, (2021), “Problematising Policy: The Development of (Critical) Policy Sociology”, *Critical Studies in Education*, 62(3).
- Pourezzat, A, (2021), “Designing Policy Support System, To Avoid Rotten-policies and Dys-policies”, *Journal of Public Administration*, 13(1). [In Persian]
- Pourezzat, A, (2021), “Policy Making Literacy and Governance in Disciplines”, *Journal of Public Administration*, 13(2). [In Persian]
- Rabiei Kohandani, M, (2021), “Metaphors of Politics and Government in the Discourse of the Islamic Republic Party”, *Islamic Politics Research*, 9(19). [In Persian]
- Richards, I. A, (2003), *Philosophy of Rhetoric*, Translated by Ali Mohammadi Asyabadi, Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Sadeghi, B., Tabatabaei, S, (2017), “Metaphor Analysis in Foreign Policy Discourses of Islamic Republic of Iran”, *World Politics*, 5(4). [In Persian]
- Sun, Y., Kalinin, O. I., & Ignatenko, A. V, (2021), “The Use of Metaphor Power Indices for the Analysis of Speech Impact in Political Public Speeches”, *Russian Journal of Linguistics*, 25(1). [In Persian]
- Savage, G. C, (2021), “The Evolving State of Policy Sociology”, *Critical Studies in Education*, 62(3). [In Persian]
- Taylor, S, (1997), “Critical Policy Analysis: Exploring Contexts, Texts and Consequences”, *Discourse, Studies in the Cultural Politics of Education*, 18 (1). [In Persian]
- *Theoretical Foundations of Fundamental Change in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran*, (2011), In

Collaboration with the Supreme Council of the Cultural Revolution and the High Council of Education.

- Vallis, R., & Inayatullah, S, (2016), “Policy Metaphors: From the Tuberculosis Crusade to the Obesity Apocalypse”, *Futures*, 84. [In Persian]